

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

چراغان داشتیم

یاد ایامی ، عجب خان و رجب خان داشتیم
انتقادی ، بر همه از روی وجدان داشتیم
بودیک نشریه ای با نام (**کاکا ترجمان**)
هرچه پنهان بود ، رسوا و نمایان داشتیم
مشعل تابنده ای از معرفت ، بر دستها
خانه تاریک دلها را ، چراغان داشتیم
ظلم و بیدادی اگر میکرد ، ظالم بر کسی
کاغذ و رنگ و قلم ، دست و جب جان داشتیم
آه هر مظلوم و اشک هر یتیمی قدر داشت
عادل جبار و قهاری که یزدان داشتیم
هر کسی نان و پیازی ، یا پلو ، یا نان خشک
آب گرم و ، چای سردی بود ، شکران داشتیم
یک ترازوی بزرگی بود در دست عجب
سنگ سیر و چارک و هم خرد اوزان داشتیم

کُنده و ساطور بود و ، تیشه و تیغ و تبر
 از برای کجروان ، قپان و میزان داشتیم
 گاهی نانوائی روان و ، گاهی قصابی دوان
 چُنْگی و دندی ـ ایشانرا ، نمایان داشتیم
 در دفاتر ، کاتب و سرکاتب و گاهی مدیر
 رشوه ده و رشوه خوران را هراسان داشتیم
 گاهی بزازى و گاهی جانبِ خیاط ها
 متر ـ کوتاه ، قیچی ـ کجی ز ایشان داشتیم
 گاهی در حمام ، آبِ سرد و لُنگِ غار غار
 نالی ـ بشکسته و ، دزدی فراوان داشتیم
 روز نامه ، هفته نامه ، ماهنامه ، هریکی
 صادق و همدرد و خدمتگار ـ انسان داشتیم
 پای کجی گر کسی میگذاشت ، میشد بر ملا
ترجمان ، اصلاح ، انیس و ، این و ، هم آن داشتیم
 لیک هرگز می نبود اخباریان ـ چالباز
 گر یکی دو بود ، در هامبورگ ـ المان داشتیم
 سالیانه گر فرستادیم ، حق الاشتراک
 پول ـ ما مفقود بود و ، جزوه تاوان داشتیم
 زنده بودی گر رجب خان و عجب خان و وجب
 نقد ـ رنگینی به چالبازان ـ المان داشتیم
 ده ماهی میشود بی صبر ، بنده انتظار
 تا به کی ، چشمان براه ، وصل ـ جانان داشتیم
 پول ـ یکساله گرفتند و فرستادند ، دو جلد
 در کجا دزدان ـ فرهنگی ، بدینسان داشتیم
 « نعمتا » شد شکوه منظوم ـ ما ، از دوستان
 ورنه در دل ، داغی از جور ـ عزیزان داشتیم